

نویسنده : هانری ماسه

مترجم: رحیم بغدادچی

از سری نشریات ادبیات عامیانه نهمین

در هیچ چیز آسیارنگ ابتدال و عامیانه ندیدم  
( Gobineau )

## « عقاید و سنن ایرانیان قدیم » بانضمام داستانها و ترانه های عامیانه

مقدمه مؤلف

از سالها باینطرف یعنی از زمانی که سلسله پهلوی زمام امور ایران را بدست گرفته است ، کشور ایران چنان فعلیتی از خود نشان میدهد که بعدها در تاریخ از آن یاد خواهد شد. تشکیلات ارتش ، دادگستری و دارائی بطور کاملی تجدید سازمان گردیده اند . مردم ایران با اراده ای قوی و توان صنعت و کشاورزی را ترقی داده و به پیش میروند . وزارت فرهنگ بر تعداد آموزشگاهها افزوده و در ترمیم و مرمت آثار تاریخی و باستانی و احیاء هنرهای زیبا نظارت مینماید. بهداشت و اوربانیسم شهرهای متعددی را تغییر شکل داده و ایجاد راههای آهن و شوسه تحقق این تحول و پیشرفتها را آسانتر ساخته است. اما چنانکه در چنین شرایطی اتفاق میافتد دامنه این نهضت که از شهرها سرچشمه گرفته است تا دهات نیز پیشرفته ، سنن و عقاید عامیانه ( اسما - خرافات و موهومات ) را بیش از پیش از میان برده است .

در حوالی سال ۱۹۲۳ هنگام معرفی و شناسائی این ترقی و پیشرفت ایران با استفاده از اقامت خویش در این کشور اقدام به جمع آوری اطلاعاتی درباره سنن و عقاید

ایرانیان نمودم. در آن زمان تحقیقات و سوالات من دربارهٔ سنن و عقاید مردم ایران حس ملامت و سرزنش طبقات مردم را سخت برانگیخت تا جائی که بمن گفتند: «شما میخواهید ما را مسخره کنید؟». ولی من با سانی توانستم اثبات کنم و نشان دهم که در نتیجهٔ عدم وجود تألیفاتی دربارهٔ ادبیات عامیانهٔ کشور ایران، کشوری که گذشته‌ای پرافتخار و شاعرانه دارد، ادبیات تطبیقی عامیانه جهانی نقائص قابل تأسفی دربر خواهد داشت و بالاخره اضافه کردم که عقاید و سنن کاملاً خارق العاده از قدیم الایام تا کنون حتی در میان ملل راقیه و متمدن نیز وجود داشته است. مطالعهٔ کتبی چند از قبیل (La Sourciere) اثر معروف (Michelet) و یا یکی از مجلات این مجموعه موضوع فوق را بخوبی اثبات میکند.

در مسافرت بعدی بایران در میان طبقات روشن فکر علاقه‌ای وافر به مطالعهٔ زبانهای باستانی کشور و تحقیق و تتبع دربارهٔ عقاید و سنن عامیانهٔ قدیمی مشاهده کردم. نتیجهٔ این مطالعات بصورت مقاله‌هایی کاملاً مستند در جراید و مجلات کشور ایران انتشار یافت «مهمترین آنها عبارتند از: بهزادی (دربارهٔ عروسی) ملك الشعراء بهار (دربارهٔ بعضی از بازیها) - که در مجلهٔ وزارت فرهنگ بچاپ رسیده‌اند» و نیز کتاب مشهور نیرنگستان اثر صادق هدایت میباشد (کتاب مزبور امروز نایاب است و در تألیف این کتاب نیز از آن استفاده گردیده است) و بانگارش آن میتوان وی را بنیان گذار مطالعهٔ تحقیق در ادبیات عامیانه دانست. از طرف دیگر دهخدا، پل لوئی کوریه<sup>۱</sup> ایران، با انتشار مجموعهٔ امثال و حکم خویش، غیر مستقیم مطالعه کنندگان فولکلور ایران را یاری و مساعدت نمود. اخیراً نیز کوهی کرمانی مجموعه‌ای شامل دوازده داستان عامیانه انتشار داده است که قسمتی از آنها در این کتاب نقل گردیده است.

در سال ۱۹۳۷ وزارت فرهنگ ایران با تشکیل کمیونی برای جمع‌آوری افسانه‌ها، ترانه‌ها، روایات و داستانهای ملی که برای تأسیس موزهٔ انسان شناسی کاملاً ضروری بود تصمیم گرفت رسماً از تحقیق و تتبع دربارهٔ ادبیات عامیانه و نژادشناسی حمایت

و پشتیبانی کند. طبق دستور وزارتت ریروای فرهنگ در شهرستانها مأمور جمع آوری و تمرکز مدارك در مرکز گردیدند.

انتشار مجله‌ای نیز مربوط به فولکلور بنام «مجله توده شناسی» طرح ریزی شد و کتابخانه‌ای هم بنام کتابخانه ادبیات عامیانه یا (کتابخانه فولکلوریک) در وزارت فرهنگ تأسیس گردید. در همان زمان مجله تعلیم و تربیت، ارکان رسمی وزارت فرهنگ صورت جلسه سوم شورا را تحت عنوان: «جمع آوری افسانه‌ها، ترانه‌ها، روایات و داستانهای ملی» انتشار داد (نگ: مجله تعلیم و تربیت - شماره ۱ سال ششم - فروردین ماه ۱۳۱۵-۹)

این ابتکار وزارت فرهنگ ایران مرا ترغیب و تشویق کرد که دست با انتشار این کتاب بزنم. با اطلاعات وسیعی که در مدت اقامت خویش در کشور ایران جمع آوری کرده بودم اطلاعات دیگری را نیز که در کتابهای مربوط به آداب و رسوم و عقاید ایرانیان برشته تحریر درآمده، و برخی از آنها امروزه متروک گردیده‌اند، اضافه کرده‌ام تا بدین ترتیب کتاب حاضر که بیشتر جنبه توصیفی دارد حتی برای ایرانیان نیز خالی از فایده نباشد بنظرم در مورد کتابهایی که درباره عقایدوسنن باستانی ایرانیان برشته تحریر درآمده‌اند و لیست آنها در قسمت منابع و مأخذ<sup>۴</sup> بیان گردیده است اگر سخنی بمیان آید بیفایده باشد. وانگهی ارزش و اهمیت سفرنامه‌های شاردن، تاورنیه و سایر نویسندگان متعدد دیگر بر کسی پوشیده نیست. در عوض از اطلاعات موجود درباره مسکن و غذا (که در سفرنامه Della Vallé بعد کافی از آن بحث گردیده، و نوشته‌های پراکنده نویسندگان عرب برای احتراز از حجم خارق العاده کتاب) و همچنین از اطلاعات موجود در کتابهایی که ارزش ادبی آنها بیشتر از جنبه تحقیقی و استنادی است (نظیر حاجی بابای اصفهانی اثر J. morier) صرف نظر گردیده است.

۱ - دامنه این نهضت تحقیقی با افغانستان نیز کشیده شده است، سرورخان قونیه نیز کتابی درباره فولکلور این کشور تألیف کرده است.

(René Dollst, L'Afghanistan, P.263.m.)

من تحقیقات شخصی خودم را در شهرهای تهران - شیراز - اصفهان و مشهد انجام داده‌ام . اما مطالعه درباره عادات و سنن و عقاید مذهبی روستائی که قسمتی از این کتاب را تشکیل میدهد نواقص زیادی در بردارد و امیدوارم که ایرانیان کمر همت بر میان بسته و خود این نقیصه را بر طرف سازند . بعلاوه این کار من بایستی توسط ایرانیان با مطالعات علمی و با تهیه نقشه‌های تقسیمی فولکوریک برای تعیین ناحیه قطعی و معین بعضی از آداب و رسوم ، تکمیل گردد . در اینجا میتوان آنچه را که Arnold Von Gennp در مورد La Dauy biné انجام داده است بعنوان مثال ذکر کرد .

برای مطالعه و تتبع من با طبقات مختلف اجتماع تماس گرفتم به اغلب اوقات این تحقیقات فورم و شکل غیر منتظره‌ای بخود میگرفتند . مثلاً : يك روز عصر در کافه‌ای نشسته و مشغول نوشتن بعضی از سنن و عاداتی که یکی از مطلعین برایم دیکته میکرد بودم که ناگهان یکی از مشتریان کافه که در نزدیکی میز ما نشسته بود ما را از اینکه فکر خود را معطوف چنین خرافاتی کرده‌ایم بسختی مورد عتاب و خطاب قرارداد . با وجود اعتراضات من وی بسختی از نظر خویش دفاع کرد و برای اثبات سبک مغزی عقاید عامیانه داستان دعانویس<sup>۱</sup> یزد را برای من تعریف کرد و بدین ترتیب بدون اینکه خود متوجه باشد ، برای من ، رل يك نفر مطلع را ایفاء کرد .

خلاصه کلام بنا بگفته La Bruyère «آنچه را که من از طبقات عامیانه گرفته بودم بخودش پس دادم» . در تهیه و تألیف این اثر من مدیون اشخاصی که بصیرت و مهربانی آنان مرا در جمع آوری اطلاعات بطور کامل و بهتری یاری کرده است می باشم . در وهله اول دهخدا ، هدایت و سعید نفیسی را میتوان نام برد که همکاریهای آنان برای من بینهایت مهم و مفید واقع گردیده است . و در وهله دوم میتوان بهار (بامقاله بازیها) بوذری (بامقاله آداب و رسوم) محلاتی و حیدر السلطان (تقال) و منصور بدیع (در باره

همدان) وسید ندیم و بدررا نام ببرم. در میان این همکاران باز میتوانم از بانوان متعددی که با اطمینان خاطر بیشتر و محبت بیکران اطلاعاتی در اختیار من گذاشته صمیمانه تشکر و سپاسگزاری بنمایم.

در مورد کلاسمان و ترتیب موضوعات، تقریباً روشن Arnold ven Grennp که در کتاب ادبیات عامیانه دوفینه (Folklore du Dauphiné) دارد بکار برده شده است زیرا نظری در این موارد کاملاً صائب می باشد و بعلاوه این کتاب نیز جزو همان مجموعه ادبیات عامیانه می باشد.

علت انتخاب تیترا « اعتقادات و سنن پارسیان » بجای « ایرانیان » اینست که محتویات کتاب مربوط به دوره ایست که ایران بنام پارس نامیده میشد - کلمه ایران که اخیراً بجای پارس استعمال گردیده در حقیقت مظهر و نمودار وضع جدیدی است که در این کشور بوجود آمده است. بعلاوه من عمداً اعتقادات و سنن دوره های ماقبل شرف بدین اسلام ایرانیان و همچنین اعتقادات و سنن زرتشتیان، ارامنه و یهودیان ایران را از قلم انداخته ام.

ایران شناسان شاید در این کتاب بقسمتی از بقایای مزدپرستی در ایران بر نخورند. مثلاً بدون آنکه فصول مخصوصی در این مورد وجود داشته باشد باسانی میتوان نشان داد که بقایای بعضی از سنن و اعتقادات مربوط به دوره آتش پرستی یکی از مشخصات مهم ادبیات عامیانه ایران را تشکیل میدهند: شب چهارشنبه آخر سال مقداری خس و خاشاک جمع آوری کرده و بآن آتش میزنند و سپس از روی آن می پرند؟ (فکر فصل نوروز) بهنگام عصر موقع روشن کردن چراغ و یا شمع به نور سلام میگویند و یا صلوات میفرستند. (برای خاموش کردن چراغ نباید روی آن فوت کرد زیرا نکبت و بدبختی بار می آورد) درد کانه وقتی چراغ روشن میکنند مشتریان حاضر علاوه بر بهای

۱- Croyances I. coutumes Persanes

۱- این محل در آذربایجان «چراغ سفته سی» نامیده میشود.

اجناس ابتیاعی پولی که آنرا «سرچراغی»<sup>۱</sup> می نامند به دکاندار میپردازند (این کلمه معنای عامیانه دیگری نیز دارد). همچنین در مواقع تزلزل قیمت ارزاق در روز در دکانها چراغ روشن میکنند. اغلب مردم به نورروشنائی سوگند میخورند: (سوگند به شاه چراغ علی). معمولاً بچه را از بازی کردن با آتش منع میکنند و معتقدند که اگر با آتش بازی کند به رختخواب خود خواهد شاشید. در مورد اشخاصی که در بدبختی عمیقی غوطه ور میباشند بطور مجاز آنرا استعمال کرده و میگویند «چراغش خاموش شده» همچنین درباره مردگان نیز استعمال میگردد. (esteteint. که il و cf. le fancais). روز هفتم در گذشت مردگان، نیز هنگام عصر چراغی روشن کرده و روی قبر مرده قرار میدهند. مواقع عصر در امازاده‌ها وقتی متصدی مربوط چراغها را روشن میکند حاضرین دایره وار ایستاده و چراغ را دست بدست میگردانند و می بوسند تا آنکه بدین ترتیب نفر آخر آنرا در جای خود قرار میدهد. در مورد متن نوشته‌ها برای بیان بعضی از سننی که در قدیم معمول بوده و اکنون معمول نمی باشد برای درک بهتر و آسانتر آنها بجای ماضی استمراری وجه زمان حال وجه اخباری بکار رفته است.

از طرف دیگر از نظر عمومی عدد هفت اهمیت خاصی را حائز است. در این کتاب اغلب بکلمه کلاه و چادر که اخیراً استعمال آن از میان رفته برخورداریم خورد.<sup>۲</sup> در خاتمه لازم میدانند از M. G. P. Waisonneuve که با کمال علاقه این کتاب را جزو کلکسیون مشهور «مطالعه سنن عامیانه» بچاپ رسانده است تشکر و سپاسگزاری بنمایم.

۱- برای این موضوع بیشتر در متون پهلوی (مخصوصاً دینکرد، بودائیسم و شایست نه شایست) مذکور است.

۲- قسمتی از مقدمه مطالب مؤلف که مربوط به آوانویسی (Hanscription) قراردادی برای تلفظ کلمات فارسی در ضمن کتاب با خط لاتین درج شده نظر بر عدم لزوم اطلاع از آن بر خوانندگان فارسی زبان در ترجمه حذف گردیده. مترجم